

متن سوره حاقه با ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

الْحَاقَّةُ ﴿١﴾

آن رخ دهنده (۱)

مَا الْحَاقَّةُ ﴿٢﴾

چیست آن رخ دهنده (۲)

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٣﴾

و چه دانی که آن رخ دهنده چیست (۳)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ﴿٤﴾

ثمود و عاد آن حادثه کوبنده را تکذیب کردند (۴)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾

اما ثمود به [سزای] سرکشی [خود] به هلاکت رسیدند (۵)

وَأَمَّا عَادُ فَأَهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾

و اما عاد به [وسيله] تندبادی توفنده سرکش هلاک شدند (٦)

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾

[که خدا] آن را هفت شب و هشت روز پیایی بر آنان بگماشت در آن [مدت] مردم را فرو افتاده می دیدی گویی آنها تنه های نخلهای میان تهی اند (٧)

فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾

آیا از آنان کسی را بر جای می بینی (٨)

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ ﴿٩﴾

و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و [مردم] شهرهای سرنگون شده [سدوم و عاموره] مرتکب خطا شدند (٩)

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً ﴿١٠﴾

و از امر فرستاده پروردگارشان سرپیچی کردند و [خدا هم] آنان را به گرفتاری سخت فرو گرفت (١٠)

إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ﴿١١﴾

ما چون آب طغیان کرد شما را بر کشتی سوار نمودیم (۱۱)

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ ﴿١٢﴾

تا آن را برای شما [مایه] تذکری گردانیم و گوشهای شنوا آن را نگاه دارد (۱۲)

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿١٣﴾

پس آنگاه که در صور يك بار دمیده شود (۱۳)

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ﴿١٤﴾

و زمین و کوه ها از جای خود برداشته شوند و هر دوی آنها با يك تکان ریز ریز گردند (۱۴)

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾

پس آن روز است که واقعه [آنچنانی] وقوع یابد (۱۵)

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ﴿١٦﴾

و آسمان از هم بشکافد و در آن روز است که آن از هم گسسته باشد (۱۶)

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةً
﴿١٧﴾

و فرشتگان در اطراف [آسمان] اند و عرش پروردگارت را آن روز
هشت [فرشته] بر سر خود بر می دارند (١٧)

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾

در آن روز شما [به پیشگاه خدا] عرضه می شوید [و] پوشیده ای از
شما پوشیده نمی ماند (١٨)

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَهٗ ﴿١٩﴾

اما کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود گوید بیا بید و کتابم
را بخوانید (١٩)

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ ﴿٢٠﴾

من یقین داشتم که به حساب خود می رسم (٢٠)

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٢١﴾

پس او در يك زندگی خوش است (٢١)

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾

در بهشتی برین (٢٢)

قُطُوفَهَا دَانِيَةً ﴿٢٣﴾

[که] میوه هایش در دسترس است (٢٣)

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾

بخورید و بنوشید گواراتان باد به [پاداش] آنچه در روزهای گذشته انجام دادید (٢٤)

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ ﴿٢٥﴾

و اما کسی که کارنامه اش به دست چپش داده شود گوید ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم (٢٥)

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيهِ ﴿٢٦﴾

و از حساب خود خبردار نشده بودم (٢٦)

يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾

ای کاش آن [مرگ] کار را تمام میکرد (٢٧)

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ ﴿٢٨﴾

مال من مرا سودی نبخشید (٢٨)

هَلَاكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ ﴿٢٩﴾

قدرت من از [کف] من برفت (٢٩)

خُدُوهُ فَغُلُّوهُ ﴿٣٠﴾

[گویند] بگیرید او را و در غل کشید (٣٠)

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ ﴿٣١﴾

آنگاه میان آتشش اندازید (٣١)

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾

پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است وی را در بند کشید
(٣٢)

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿٣٣﴾

چرا که او به خدای بزرگ نمی گروید (٣٣)

وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾

و به اطعام مسکین تشویق نمیکرد (٣٤)

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾

پس امروز او را در اینجا حمایتگری نیست (۳۵)

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ﴿٣٦﴾

و خوراکی جز چرکابه ندارد (۳۶)

لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٣٧﴾

که آن را جز خطاکاران نمی خورند (۳۷)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٨﴾

پس نه [چنان است که می پندارید] سوگند یاد می کنم به آنچه می بینید
(۳۸)

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿٣٩﴾

و آنچه نمی بینید (۳۹)

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾

که [قرآن] قطعا گفتار فرستاده ای بزرگوار است (۴۰)

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾

و آن گفتار شاعری نیست [که] کمتر [به آن] ایمان دارید (۴۱)

وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

و نه گفتار کاهنی [که] کمتر [از آن] پند می گیرید (۴۲)

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٣﴾

[پیام] فرودآمده ای است از جانب پروردگار جهانیان (۴۳)

وَأَوْ تَقُولَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾

و اگر [او] پاره ای گفته ها بر ما بسته بود (۴۴)

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾

دست راستش را سخت می گرفتیم (۴۵)

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾

سپس رگ قلبش را پاره می کردیم (۴۶)

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ﴿٤٧﴾

و هیچ يك از شما مانع از [عذاب] او نمی شد (٤٧)

وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾

و در حقیقت [قرآن] تذکاری برای پرهیزگاران است (٤٨)

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾

و ما به راستی می دانیم که از [میان] شما تکذیب کنندگانی هستند (٤٩)

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾

و آن واقعا بر کافران حسرتی است (٥٠)

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿٥١﴾

و این [قرآن] بی شبهه حقیقتی یقینی است (٥١)

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٥٢﴾

پس به [پاس] نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی (٥٢)

صدق الله العلي العظيم

راست گفت خدای بلند (رتبت) بزرگ .

